

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۳۳-۱

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

علیرضا خراشادی زاده^۱

دکتر محمد باقر بابائی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۰

چکیده

موضوع این تحقیق درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم است. و هدف از پژوهش، آن است که با مطالعه آیات قرآن کریم مشخص نماییم که در قرآن کریم که بر نبی مکرم اسلام (ص) به عنوان خاتم پیامبران و اولین مدیر جامعه اسلامی به منظور مدیریت و راهنمایی بشریت نازل شده است، چه آیاتی به موضوع مدیریت اشاره داشته و چه الگویی را ارائه می‌نماید. روش انجام این تحقیق روش کیفی و راهبرد انجام آن راهبرد کیفی نظریه پردازی داده بنیاد با رویکرد فرایندی است که پس از آنکه مبانی نظری موضوع به اختصار توضیح داده شد، به پیاده نمودن روش تحقیق پرداختیم.

به این ترتیب که پس از استخراج بیش از ۲۵۰ آیه، به حدود ۲۰۰ نشانه به عنوان مضامین، دست یافته و در مرحله کدگذاری باز، از آن میان ۱۹۰ مفهوم به عنوان ۱۹۰ عنصر الگوی مدیریت دینی برگزیده شد و در قالب مقوله‌های اصلی ساماندهی شدند و برای دفع شبهه و مصون ماندن از خطر تفسیر به رأی، رواسنجی داده‌ها با استفاده از چندین تفسیر مهم صورت گرفت و در نهایت الگویی از مدیریت شامل ویژگی‌های مدیران، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و هدایت، ارزیابی و نظارت و کنترل، تشویق و تنبیه، طی مرحله کدگذاری محوری از میان مجموع عناصر کشف شد.

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث؛

۲- عضو هیأت دانشگاه جامع امام حسین (ع).

نتایج تحقیق تأمین‌کننده زیرساخت‌ها و پایه‌های نظری طراحی الگوی مدیریت دینی بر مبنای قرآن کریم و در سطح نظری و نظریه‌پردازی است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، دین، مدیریت دینی

مقدمه

پیشینه اندیشه مدیریت دینی از نظر تاریخی به دوران رسالت پیامبران الهی باز می‌گردد. انسان‌ها از ابتدای خلقت از هدایت انبیا بهره‌مند بودند؛ به طوری که اولین مخلوق خدا پیامبر بود و شاید حکومت و مقررات آن از جمله برنامه‌های آنان بود که به دلیل نیاز انسان‌ها از طریق وحی دریافت نموده‌اند؛ بنابراین منشأ دولت و حکومت در ابتدای امر، وحی بوده است و بعدها بر اثر غلبه ظالمان از مسیر صحیح خود منحرف شده است. پیش‌فرض ما این است که قرآن کریم کامل‌ترین، جامع‌ترین و مستندترین منبع برای نیل به این مقصود است. هرچند استعمارگران فرهنگی غرب، فرهنگ اسلامی و قرآنی را نادیده انگاشته و در کتاب‌های خود از طرح نظریات دینی و قرآنی حتی به عنوان یک نظریه تاریخی تا حد امکان خودداری کرده باشند.

از سوی دیگر در این دوران که انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به وقوع پیوست، این انقلاب با آزاد کردن اندکی از انرژی نهفته در منبع وحیانی، چنان زلزله‌ای در جهان درآفکند که تار و پود بسیاری از نظریات مطرح روز را در هم پیچید و سرفصل جدیدی بر آغاز حرکت بشر در مسیر سعادت گشود و با افکندن پرتوی عظیم بر انتهای مسیر حرکت کاروان بشری، جایگاه رفیع و شایسته او را به وی نشان داد؛ زیرا در واقع، در استمرار خط نبوت و امامت، رسالت اصلی این انقلاب نیز ارایه برنامه جامع زندگی، سازماندهی و بسیج و به کارگیری بهینه منابع مادی و انسانی برای نجات انسان‌ها از سلطه استکبار و یوغ استضعاف و هدایت آنها در مسیر عبودیت الهی «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (سوره ذاریات: آیه ۵۶) برای نیل به کمال انسانی و سعادت واقعی بوده است؛ رسالت و مسئولیتی که همواره در

اساسی‌ترین شعارهایش همچون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، جلوه‌گر بوده و مورد تأکید قرار گرفته است.

به این دلیل، بحث و بررسی درباره مدیریت جامعه‌ای که داعیه دینداری داشته و حکومت خود را ادامه و استمرار خط رسالت و امامت می‌داند، اداره منابع انسانی و مادی با رویکردی دینی، از مسئولیت‌های اساسی پژوهشگران، مدیران و رهبران جامعه اسلامی شمرده می‌شود و ضرورت دارد تا به مطالعه و تحقیق بیشتر درباره مسائل اساسی مدیریت از دیدگاه دین (به ویژه از دیدگاه قرآن مجید) پرداخته شود.

بیان مسأله

پر واضح است که در شرایط کنونی جهان، کشورها و تمامی سازمان‌ها و ادارات موجود بر اساس مدل و الگوی‌های غربی اداره می‌شوند و در این موضوع که کشورهای دارای مردمی معتقد به خداوند و کشورهای اسلامی - به ویژه در کشور اسلامی ایران - نیاز به اصلاح روش‌های مدیریت داریم، نباید شک کرد، اما مسأله مهم‌تر یافتن الگوی صحیح برای حل این مشکل است. و این سؤال مطرح است که آیا باید بر اساس همان ایسم‌های غربی و با نگاه به چند کشور به اصطلاح توسعه‌یافته کشورها اداره نمود؟ یا اینکه ادیان الهی و به طور خاص اسلام عزیز - قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) - برای حل این مشکل راه حل دارد؟ آیا مفهومی به نام مدیریت دینی یا مدیریت اسلامی وجود خارجی دارد؟

نحوه مدیریت دینی از بحث‌هایی است که تبیین آن و در نهایت عمل کردن طبق آن از ضروریات دوران ماست. ما اکنون در دوره دولت‌سازی قرار داریم و از بحث‌های ضروری این دوره تبیین منش و روش صحیح مدیران دولت دینی است. دولت دینی؛ مدیر دینی و مدیریت دینی می‌خواهد. مدیریت دینی(اسلامی) نیز تنها یک شعار نیست؛ با رجوع به قرآن کریم، می‌توان به وضوح اهتمام و توجه جدی قرآن عزیز را به این مسأله مشاهده کرد و مبانی و اصول مدیریت و شاخص‌های مدیریت دینی را از دل آن بیرون آورد. به عبارت دیگر قرآن کتابی جامع و تمام‌عیار

است که در همه نسل‌ها و عصرها برترین پاسخ‌ها را به نیازها و مسائل بشر می‌دهد و ما باید به دنبال الگویی برای مدیریت باشیم که مبتنی بر فرهنگ غنی قرآنی باشد، و چنین امر مهمی، مستلزم پشتوانه قوی نظریه‌پردازی و دارا بودن مدل مفهومی منسجم و یکپارچه است. نوشته‌ها و مطالب ارائه‌شده در زمینه مدیریت با رویکرد دینی، حاکی و نشان‌دهنده فقدان چنین مدل یکپارچه و منسجمی است.

بنابراین، این تحقیق، به دنبال اکتشاف مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم است که در آن مفهوم مدیریت دینی تبیین، عناصر مدیریت دینی تعیین و رابطه این عناصر با همدیگر ترسیم شده باشد.

سؤال اصلی تحقیق

با توجه به اینکه الگوی هر مدیریتی تابعی از فرهنگ و مبانی فکری و نظام ارزشی حاکم بر آن جامعه است، محقق در صدد این مهم است که بر اساس آیات قرآنی که بر حضرت رسول اکرم (ص) نازل شد و راهنمای جامع و کاملی برای هدایت و مدیریت انسان در این جهان است، مشخص نماید که قرآن کریم برای اداره جامعه الهی چه مدل و الگویی ارائه کرده است.

مبانی نظری مدیریت دینی

بیشتر مکاتب و منابع غیر دینی انسان را موجودی تک‌بعدی و عمدتاً مادی دانسته‌اند، در حالی که قرآن مجید و دیگر منابع دینی ارزش زیادی برای انسان قایل شده و به دو بعد (مادی و معنوی) و نیازهای هر بعد توجه دارند. وقتی بینش قرآن در مورد این سه مقوله متفاوت باشد، تعریف مدیریت از دیدگاه دین و قرآن نیز متفاوت خواهد شد. در نتیجه باید دانش مدیریت جدیدی بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی شکل بگیرد؛ بنابراین شایسته است در این بخش، به منظور روشن و شفاف نمودن مبانی نظری مدیریت دینی از منظر قرآن کریم، به موضوعاتی از قبیل: تعریف مدیریت، معنا و مفهوم دین، مفهوم و مراد از مدیریت دینی و محوریت قرآن کریم در مدیریت دینی اشاره‌ای داشته باشیم.

تعریف مدیریت

علم مدیریت نتیجه علوم مختلف انسانی است و حاصل تلاش اندیشمندان در علوم مختلف انسانی با هم تلفیق شده و دانش مدیریت را پدید آورده است، بنابراین افراد با توجه به رویکردشان به دانشی خاص، مدیریت را تعریف کرده‌اند و به همین دلیل با تعدد تعریف روبه‌رو هستیم و در اینجا یک تعریف را که نزد بیشتر صاحب‌نظران مدیریت در ایران دارای مقبولیت بیشتری است و با این مقاله تناسب بیشتری دارد، ذکر می‌کنیم.

مدیریت، فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد.

تعریف یادشده، مفاهیم کلیدی زیر را در بر دارد:

- مدیریت یک فرآیند است.
 - مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.
 - مدیریت مؤثر، تصمیم‌های مناسبی می‌گیرد و به نتایج مطلوبی دست می‌یابد.
 - مدیریت کارا به تخصیص و مصرف مدبرانه می‌گویند.
 - مدیریت بر فعالیت‌های هدفدار تمرکز دارد (رضایان، ۱۳۷۴: ۲۵).
- همچنین می‌توان گفت تحقق آن هم بر اساس نظام ارزشی مورد قبول است که نظام ارزشی نوع رویکرد محتوایی مدیریت‌ها را مشخص می‌کند.

معنا و مفهوم دین

دین در لغت‌نامه دهخدا در معانی کیش، مله، صبغه، طریقت و شریعت به کار رفته است (ج ۸، ص ۱۱۴۱۷).

ابن اثیر در کتاب نهاییه آن را به معنای اطاعت، خضوع، عادت، متابعت و جزا به کار برده است (جزء ثانی، ص ۴۸-۱۴۹).

فرهنگ لغت آموزشی آکسفورد برای واژه «دین»^۱ سه معنا آورده است که عبارتند از: عقیده به وجود خدا یا خدایان و اعمالی که به پرستش او یا آنها مرتبط است؛ یکی از نظام‌های عقیدتی که مبتنی بر اعتقاد به خدای معین و یا خدایان است و سوم علاقه یا احساسی که در زندگی فرد بسیار بااهمیت است.

دین الهی، مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقرراتی اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو تعالیم آن، هوا و هوس خود را کنترل و آزادی خود را تأمین کند. انسان خدا باور، چون خود را در تحت ربوبیت ذات اقدس الهی می‌داند، تلاش می‌کند با عمل به آیین الهی و استقامت و پایداری در آن، مقصود واقعی را در یابد:

إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا (سوره احقاف، آیه ۱۳)؛ زیرا دین الهی است که به حقیقت انسان و نیازهای او توجه دارد و برنامه کامل و همه‌جانبه‌ای ارائه می‌کند که انتظارات او را از همه نظر برآورده می‌سازد.^۲

مفهوم و مراد از مدیریت دینی

مدیریت دینی - علی‌الاصول - تقابل و تعارضی با مدیریت عقلانی و عقلایی ندارد. مدیریت دینی هرگز به معنای رازآلود نمودن مدیریت و اسرارآمیز کردن اداره جامعه نیست. مدیریت دینی به معنای این است که در اداره جامعه انسانی و تدبیر امور آدمیان، انسان‌شناسی دینی و وحیانی را لحاظ کنیم، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی را که دین در باب انسان مطرح کرده است مورد توجه قرار دهیم، در کنار حیات طبیعی و دنیوی انسان، حیات اخروی را نیز مد نظر داشته باشیم، در برنامه‌ریزی‌های کلان و در عرصه اداره امور حیات بشر، کمال‌نهایی او را که همان قرب الهی است از یاد نبریم. مدیریت دینی مقتضی آن است که در مفهوم توسعه و رشد اجتماعی،

1-(Religion)

۲- یادآوری؛ مراد از دین در بحث ما، دین الهی و در بین ادیان، کامل‌ترین آن، یعنی دین اسلام و دین خاتم انبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

عناصر معنوی و اخلاقی و ارزشی را به عنوان عناصر اصلی و اولیه در ساختار شخصیت انسان لحاظ نماییم.

تعبیر مدیریت دینی حاکی از این است که مدیریت می‌تواند دارای دو وصف «دینی» و «غیردینی» باشد، و از این رو این سؤال، مطرح می‌شود: چه ارتباطی بین مدیریت به عنوان یک علم و بین دین به عنوان یک گرایش الهی، وجود دارد؟ این پرسش در واقع یکی از جزئیات پرسش عام‌تر و کلی‌تری است و آن این است: علوم و فنون مختلف، به ویژه علوم انسانی، چه ارتباطی با ادیان دارند؟ (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۱۹)

ما می‌دانیم که بحث مدیریت دینی از دو مفهوم عمده تشکیل می‌شود: یکی مدیریت که حکایت از یک نوع دانش بشری می‌کند و یکی هم پسوند دینی که حکایت از یک نوع گرایش الهی این دانش دارد و می‌شود گفت که مدیریت دینی یا هر علم دیگری که ما با پسوند دینی به دنبال آن باشیم، مثل اقتصاد دینی یا جامعه‌شناسی دینی و هر علم دیگری با این پسوند، حکایت از یک نوع پیوند و رابطه‌ای میان این دو مفهوم میان علم و دین دارند. خود این بحث هم، یکی از مباحث تاریخی و دیرینه بشری است، اینکه میان علم و دین چه نوع ارتباطی است، مورد بحث و سؤال است.

همان‌گونه که اشاره شد، نقطه تلاقی مدیریت با دین انسان است. در دانش مدیریت، انسان اساسی‌ترین رکن توجه و بحث است و در ادیان الهی نیز همه معارف دینی برای هدایت انسان به سعادت دنیوی و اخروی ارایه شده‌اند. پس چگونه انسان مؤمن می‌تواند مدیریت کند، انسان‌ها را اداره کند و آنان را به کار گیرد؛ اما در مورد چگونگی رفتار با زیردستان، رعایت حقوق آنان، شخصیت دینی افراد تحت امر خویش و دستورهای فراوانی که دین در این زمینه دارد، بی‌توجه باشد؟! اگر مدیری با جهان‌بینی الهی به نیروهای فراوانی تحت امر خویش بنگرد (موجودی با مقام خلیفه الهی)، آنان را با ویژگی‌های بسیار ارزشمند و قابل احترام می‌بیند؛ اما با

نگرش ماتریالیستی و مادی، بدون توجه به معارف و آموزه‌های انبیای الهی، آنان را جز ابزار تولید وسایلی برای دستیابی به سود، نمی‌بیند.

در مدیریت بر پایه دین، وظیفه هر انسان متدین، از جمله مدیران، رعایت مقام و منزلت انسان براساس معارف دینی است و از آنجا که در ادیان الهی، انسان موجودی مختار فرض می‌شود، مدیر باید به گونه‌ای از نیروی انسان‌ها استفاده کند که آنان را از به کارگیری نیروی عقل و اختیار در مسایل مادی و معنوی و پیمودن صراط نورانی و الهی باز ندارد (برخلاف مدیریت‌های الحادی که به شرافت انسانی هیچ‌گونه اعتنایی نمی‌شود). مدیر متدین موظف است سازمانش را با توجه به منزلت انسان چنان طراحی کند که نیروهای انسانی از هویت واقعی خود فاصله نگیرند و در مسیر الهی خویش، به راحتی و به مؤثرترین شکل بتوانند از نعمت اندیشه و اختیارشان در مسائل مادی و معنوی استفاده کنند. گرچه در مدیریت دینی لازم است انسان از دیدگاه الهی در ابعاد مختلف شناخته شود، گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌های مثبت و منفی او ارزیابی و رفتاری مناسب با ابعاد روحی روانی او طراحی و در مدیریت به کار بسته شود، تا زمینه انحراف انسان‌ها فراهم نشود و به حقوق آنان در ابعاد مختلف توجه شود.

قرآن کریم و محوریت آن در مدیریت دینی

قرآن کریم، کتابی است که از سوی پروردگار عالم و خالق و پرورش‌دهنده تمام موجودات از جمله انسان، نازل شده و بیان‌کننده نیازهای زندگی بشری برای رشد و تعالی و تکامل است، چنانکه در آیات گهربار آن کتاب فرمود: «تبیاناً لکل شیء» (سوره نحل، آیه ۸۹).

از طرفی آیات این سلسله هدایت، بر مدیر جامعه اسلامی، پیامبر اعظم (ص)، نازل شده که خود اقدام به تشکیل حکومت و اداره آن نموده و در تمام لحظات و مشکلات، عنایات و راهنمایی‌های وحیانی، راه‌گشای وی بوده است. در این بخش با مراجعه به تعدادی از آیات نورانی کلام‌الله مجید، منشور ربّانی‌ای که نگاهی به حوزه

علوم مدیریتی دارد، و دلایلی برای محوریت قرآن کریم در مدیریت دینی است، بیان می‌کنیم.

۱- قرآن، قِیمِ جوامع بشری

خدای سبحان در تبیین سمت رسول الله (ص) چنین فرموده است: رسول من الله یتلوا صحفاً مطهرهً فیها کتب قیمه (سوره بینه، آیات ۲ - ۳)؛ پیامبر اسلام صحیفه‌های پاک را تلاوت می‌کند که محتوای صحیفه‌ها قِیمِ انسانیت‌اند؛ کتاب‌هایی که خود قایمند و قِیوم افکار بشر؛ یعنی معارف قرآن در بخش عقیده و خلق و عمل، قِیوم عقاید و اخلاق و اعمال جامعه انسانی است. خدای متعالی دین خود را به عنوان قِیم می‌شمارد: ذلک الدین القِیم (سوره توبه، آیه ۳۶)؛ زیرا فطرت خداجویی که مقوم درونی همه انسان‌هاست از یک سو و عامل بیرونی که سرپرست این فطرت و قِیم بیرونی انسان‌هاست از سوی دیگر، در اصل توحیدگرایی یکسان است.

قِیم بودن قرآن به جامعه بشری، مانند قِیم بودن آب برای کشت گیاه است. آب از گیاه جداست، اما رابطه ضروری با آن دارد و عامل تعیین‌کننده حیات اوست. دین اسلام فطری انسان است و همانند آب زلال، هر تشنه‌ای در پی آن است. حیات انسان تشنه به آب زلال بستگی دارد و کسی نمی‌تواند از آب بگریزد؛ زیرا رسیدن وی به کمال مطلوب به سیراب شدن بستگی دارد و آب نیز قِیم عطشان است.

پس قرآن قِیم انسان‌هاست: الحمد لله الذی أنزل علی عبده الكتاب ولم یجعل له عِوَجاً قِیماً (سوره کهف، آیات ۱-۲)؛ چراکه هیچ‌گونه انحراف و اعوجاجی در قرآن نیست و مستقیم است، پس قِیم دیگران است. هدف قرآن کریم این است که جامعه بشری را به قیام در راه خدا و قسط و عدل وا دارد و این ویژگی همه کتاب‌های آسمانی است، گرچه کامل‌ترین درجه آن در قرآن کریم تجلی یافته است: لقد أرسلنا رسلنا بالبینات وأنزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط (سوره حدید، آیه ۲۵)؛ ما رسولان خود را با معجزات روشن فرستادیم و کتاب و میزان را با آنان نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند (جوادی آملی، اردیبهشت ۱۳۸۵: ۱۸۰).

۲- قرآن، کتاب جهان شمول

چون قرآن مجید برای هدایت همگانی و همیشگی تنزل یافته، همه افرادی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند، از نور رهنمود او برخوردار خواهند شد. برای فهم معارف آن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد، نه تمدن مخصوصی مانع است که با داشتن آن از لطایف قرآنی محروم و با ابتلا به آن، بهره‌مندی از ره‌آورد آسمانی او میسر نباشد.

آری، نه عربیت شرط راهیابی به حقایق قرآنی است و نه عجمیت مانع نیل به ذخایر آن: تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً (سوره فرقان، آیه ۱). برخی به آسانی و بعضی آسان‌تر، از آن کتاب کریم بهره می‌برند: لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر (سوره قمر، آیه ۱۷).

آن‌که به رنگ و نژاد و لهجه و دیگر عوارض زوال‌پذیر اصالت بخشیدند، همانند جماد و گیاه و جانورند که جز تفاوت در رنگ، فصل ممیز دیگری ندارند. تنها عالمان خداترس که فطرت‌پذیری سروش وحی را پاس نهاده، در راه آن گام برداشته، به هدف رسیده‌اند، دارای فصل ممیز انسانی هستند؛ زیرا ارزش هر کسی به هنر اوست: «قیمه کل امرء ما یحسینه»، (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱). و قیمت‌گذاری افراد گوناگون بشر در اختیار آفریدگاری است که به سرایر همگان آگاه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

نیز در تقویم بردگان ملیت‌گرا و آزادگان خداپرست چنین فرمود: و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألوانها و غرایب سود و من الناس و الذنوب و الأنعام مختلف ألوانه كذلك إنما یخشی الله من عباده العلماء إن الله عزیز غفور (سوره فاطر، آیات ۲۷-۲۸). خشیت عالمانه برخاسته از فطرت عامل وحدت است، وگرنه دل‌باختگان به مظاهر رنگارنگ طبیعت از هم پراکنده‌اند: تحسبهم جميعاً وقلوبهم شتی ذلک بأنهم قوم لا یعقلون (سوره حشر، آیه ۱۴).

۳- قرآن، بیان‌کننده مسائل نقش‌آفرین در سیادت و سعادت انسان

خدای سبحان قرآن کریم را «تبیان» همه چیز می‌داند: و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمۀ و بشری للمسلمین (سوره نحل، آیه ۸۹). هر چیزی که در تأمین سیادت و سعادت انسان‌ها نقش مؤثری دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر کاری سبب فراهم ساختن سعادت بشر است، قرآن بدان فرمان داده است و اگر ارتکاب عملی مایه فرومایگی و شقاوت بشر می‌شود، پرهیز از آن به صورت دستوری بایسته در آن آمده است.

اشتمال قرآن بر همه معارف و اخلاق و اعمال الهی انسانی، به طور رمز یا ابهام یا معماً نیست که از قانون محاوره و روش تعلیم و تربیت جدا باشد، بلکه به گونه روشن بیان شده است؛ به تفصیل یا اختصار. زیرا خدای سبحان از جامعیت قرآن به همه اصول اسلامی با «تبیان» یاد کرده است.

قرآن جهان‌آفرینش را دارای آغازی به نام «مبدأ» می‌داند که فیض خلقت از آنجا شروع می‌شود و انجامی به نام «معاد» که نظام کیهانی کنونی به آن سمت می‌رود و مسیری به نام «صراط مستقیم» و «دین» که با پیمودن این مسیر و راه صحیح باید به آن مقصد رسید و مقصود نهایی را در آن دید. همه معارف دین در همین سه بخش مبدأ و معاد و مسیر آمده است.

به بیان استاد بزرگ علامه طباطبایی (قدس سره) آنچه صریحاً یا ظاهراً در قرآن کریم آمده، چند دسته است:

۱. معارفی درباره اسما و صفات خداوند؛ مانند حیات، علم، قدرت، سمع، بصر، توحید و دیگر اوصاف کمالی.
۲. معارفی مربوط به افعال الهی؛ مانند خلق و امر، اراده و مشیت، هدایت، قضا و قدر، جبر و تفویض، رضا و سخط.
۳. دانستنی‌هایی درباره واسطه‌های فیضی که میان انسان و خدای متعالی قرار گرفته است؛ مانند لوح، قلم، عرش، کرسی، بیت‌معمور.

۴. مباحث انسان‌شناسی و تبیین حقیقت وی در جهان؛ پیش از آمدن به دنیا و در دنیا و پس از آن. مباحثی که در زمینه پیدایش و شناخت انسان، معرفت اصول اجتماعی انسان، انسان‌های کامل و نمونه و کمال انسان به نام رسالت و وحی و الهام و شریعت، نیز مطالبی که بیان‌کننده آینده انسان به نام برزخ و معاد است و نیز معارفی که متعلق به تهذیب و تربیت انسان و مقامات اولیای الهی است.

در مجموع، همه امور نقش‌آفرین در سیادت و سعادت بشر، در زمینه عقیده و اخلاق و عمل، در قرآن کریم بیان شده است و از آنجا که عقیده، پایه اخلاق و عمل است، خدای سبحان عنایت خاصی به آن فرموده است.

گاه می‌فرماید: ولا رطب ولا یابس إلی فی کتاب مبین (سوره انعام، آیه ۵۹)؛ هیچ تر و خشکی نیست، مگر در کتاب مبین و قرآن کریم آمده است. مقصود از «رطب و یابس» به قرینه داخلی آیه، علم همه اشیاست؛ چنان‌که در بخش دیگری می‌فرماید: ما فرطنا فی الکتاب من شیء (سوره انعام، آیه ۳۸)؛ هیچ چیزی در این کتاب آسمانی فروگذار نشده است؛ یعنی همه اموری که در سعادت بشر مدخلیت دارد، در قرآن کریم آمده است.

۴- تازگی همیشگی قرآن

همان‌گونه که بیان شد، قرآن کریم به گفته خود، کتابی جهان شمول است و اختصاصی به زمان و زمین و زبان و نژاد و آداب و سنن خاص ندارد: ذکرى للعالمین (سوره انعام، آیه ۹۰) و نذیراً للبشر (سوره مدثر، آیه ۳۶). براساس این کلیت و دوام و نیازمندی همیشگی بشر به آن، نباید هیچ‌گاه گرد کهنگی و غبار فرسودگی بر آن بنشیند، بلکه باید همیشه تازه باشد.

قرآن برای تبیین حقایق اصلی و عناصر محوری جهان آمده که تغیر در آنها راه ندارد: فَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (سوره فاطر، آیه ۴۳). همچنین برای هدایت فطرت انسان‌ها آمده که دگرگونی نمی‌پذیرد: فطرت الله الّتی فطر النّاس علیها لا تبدل لخلق الله (سوره روم، آیه ۳۰). پس قرآن هیچ‌گاه کهنه و مندرس نمی‌شود.

خدای سبحان محتوا و قالب معجزه پایانی‌اش، قرآن را به گونه‌ای سامان داده است که همیشه سفره و مآدبه‌ای باشد تا همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند و از نعمت‌های معرفتی آن بهره برند.

تاریخ قرآن و تفسیر و معارف اسلامی نشان می‌دهد که به برکت قرآن کریم در هر زمانی، درهای معارف جدیدی به روی متفکران گشوده شده، میوه‌های بهشتی معرفتش در هر عصری پرسش‌های فراوانی را پاسخ داده، همواره صاحب‌نظران مستعد را تغذیه می‌کند.

از امام صادق(ع) سؤال شد: چرا قرآن با تکرار و درس و نشر، جز تازگی اثر دیگری نمی‌پذیرد؟ آن حضرت فرمود: «لأنَّ الله تبارک و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو فی کلِّ زمان جدید و عند کلِّ قوم غضٌّ إلی یوم القیامه» (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۵)؛ تازگی قرآن برای آن است که خدای والا آن را برای زمان یا مردم خاصی نفرستاده است تا تاریخ مصرف آن سپری و کهنه شود و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان، جدید است و نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پرجذبه است.

امام باقر(ع) نیز برای تشبیه معقول به محسوس، جاودانگی قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و مهتاب مانند می‌سازد: «یجری کما تجری الشمس و القمر» (همان، ج ۸۹، ص ۹۴ و ۹۷)؛ قرآن مانند مهر و ماه، همیشه در جریان است و زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن می‌سازد و آنچه تنوع‌پذیر است، مصداق است نه مفهوم جامع، و آنچه تحول‌پذیر است، فرد عینی است نه عنوان علمی. پس تطبیق عوض می‌شود، اما تفسیر ثابت است؛ زیرا تطبیق ناظر به مصداق است و تفسیر راجع به مفهوم جامع (جوادی آملی، اردیبهشت ۱۳۸۵: ۱۹۷).

۵- ارایه عالی‌ترین و جامع‌ترین نمونه قانونگذاری و پایدارترین دستور زندگی به

جامعه انسانی

از اموری که هر عاقلی را به تحیر و می‌دارد و زبان او را به تمجید و تحسین می‌گشاید و نمی‌تواند انکار کند که قرآن وحی از جانب آفریدگار حکیم است، این است که عالی‌ترین و جامع‌ترین نمونه قانونگذاری و پایدارترین دستور زندگی را به جامعه انسانی ارائه داده است؛ قانونی که برای مدیریت صحیح اجتماعی و ترقیات همه‌جانبه آن آورده و در هر قرن از قرون که بر بشر گذشته است وسعت و کمال و جامعیت خود را بر تمام شئون و جریان‌های زندگی به نحو احسن و اکمل اثبات کرده است.

آنچه قرآن در هزار و چهار صد سال پیش آورده عبارت است از: اصول و مبانی حق و عدالت، مساوات و آزادی، دعوت به علم و معرفت و فضایل انسانی، تشویق به صلح و مسالمت، مبارزه با تبعیض نژادی و ظلم و جهل و فقر، و مخالفت با رذایل و بی‌بندوباری. حال اگر این اصول و مبانی و این دعوت‌ها و هدایت‌ها را مقایسه کنیم با آنچه که ممالک متمدن از قرون گذشته تا به امروز در قوانین و مقرراتشان آورده‌اند و در تشکیلات اجتماعی‌شان خود را ملتزم آن نموده‌اند و در برنامه زندگی‌شان آن را هدف قرار داده‌اند، اگر چنین مقایسه‌ای را میان این دو نوع نظام (یعنی نظام و قانونگذاری الهی با مقررات و برنامه‌ریزی‌های بشری) کنیم افق عالی و برتری قرآن کریم را در هر موضوعی از موضوعات کاملاً ملاحظه می‌نماییم؛ به گونه‌ای که کوچک‌ترین شکّی برای ما باقی نخواهد ماند که آنچه را رسول گرامی ما آورده است جز از جانب آفریدگار آگاه و حکیم نبوده است (رادمش، ۱۳۷۴: ۵۴).

نوع و روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی اکتشافی است که برای تحلیل از روش راهبرد تئوری (مفهوم‌سازی) داده بنیاد استفاده شده است. منظور از تئوری داده بنیاد، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل

شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع‌تئوریک درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده حاصل می‌شود. به طور کلی، این راهبرد، درباره متون با طرح مسأله‌ای، خود پژوهشگر به مطالعه متن می‌پردازد و داده‌های مرتبط با مسأله را از متن استخراج و آنها را کدگذاری و طبقه‌بندی می‌کند و در نهایت، تئوری خود را ارائه می‌دهد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

فرایند استفاده از نظریه داده بنیاد و یافته‌های تحقیق

در فرایند کلی استفاده از نظریه داده بنیاد به عنوان راهبرد پژوهش برای موضوعی مانند مدیریت دینی از منظر قرآن کریم، مراحل زیر انجام شد:

مرحله اول: مطالعه قرآن کریم

در طراحی الگوی مدیریت از منظر قرآن کریم، که موضوع این تحقیق است، قرار شد که با استخراج و استنباط از متن قرآن کریم، این الگو کشف شود. رجوع مستقیم به متن آیات الهی انجام شد، و برای بهره‌مندی از ترجمه‌های مناسب، با مراجعه به چند منبع معتبر دست اول و دست دوم مانند: تفسیر مجمع البیان، تألیف شیخ طبرسی (۱۳۶۰)؛ تفسیر المیزان اثر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی رضوان‌الله تعالی علیه و ترجمه آیات قرآن کریم مرحوم سیدمحمدباقر موسوی همدانی (رحمت‌الله علیه) در آن تفسیر (۱۳۶۰)، تفسیر نمونه تألیف جمعی از نویسندگان با نظارت آیت الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴)؛ تفسیر نور، تألیف حجت‌الاسلام محسن قرائتی؛ (۱۳۸۵) و مجموعه کامل نرم‌افزارهای جامع التفاسیر نور (تنظیم از مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی قم، ۱۳۸۹)، این پژوهش آغاز شد.

برای تحقق شناسایی نشانه‌های مدیریت در قرآن کریم، با نگاه حاصل از شناخت ادبیات مدیریت و کلیدواژه‌های قرآنی، سراسر قرآن کریم (از ابتدا تا آخر)

مطالعه و آیات مرتبط علامت‌گذاری شد. آنگاه با تکیه بر این آیات «نمونه‌برداری نظری» از آیات انجام شد.

مرحله دوم: کدگذاری باز

در مرحله دوم آیات شناسایی شده در چارچوب فرایند کدگذاری باز بر اساس ترجمه آنها در تفاسیرالمیزان و نور مورد مطالعه و تدبیر قرار گرفت. به این ترتیب، کدگذاری باز داده‌ها نیز با مطالعه تفاسیر و بهره‌گیری از رهنمودهای کلی قابل استنباط در حوزه مدیریت از ابتدا تا پایان قرآن کریم انجام شد.

بنابراین تا اینجا اقدامات زیر انجام شده است:

- الف - گردآوری داده‌ها؛ یعنی انتخاب آیه‌های ناظر به مدیریت و تجزیه هر آیه در قالب کدها (هر نکته در قالب یک کد که آن را مضمون هم می‌نامند).
- ب - استنباط عبارتی کلی‌تر از ترجمه هر آیه و تعیین کدهای مشترک با نگاهی بر تفسیر هر آیه که تشکیل یک مفهوم را می‌دهند.

مرحله سوم: کدگذاری محوری

با شناسایی نشانه‌های مدیریت، با آیات فراوانی روبه‌رو شدیم که پرداختن به همه آنها، مستلزم زمان بسیار بیشتری بود؛ بنابراین، دامنه تحقیق به روشن‌ترین آیات مدیریت قرآن کریم که بر وجود مبارک حضرت محمد(ص) نازل شده است، محدود شد. این گام هم پیچیدگی‌ها و ابهامات خاص خود را داشت. از آن میان این مسأله مطرح شد که:

قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت و راهنما و مدیریت‌کننده زندگی انسان‌ها، نخستین بار بر پیامبر اکرم(ص)، نازل شد و خدا ایشان را مورد خطاب قرار داده است. پس با این نگاه همه قرآن باید بررسی شود، که در گام نخست انجام آن با محدودیت‌هایی مواجه شد. پس از استخراج آیه‌های مورد نظر و تبدیل آنها به نشانه‌ها، مفاهیم مرتبط از هر یک از نشانه‌ها استنباط شد.

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

در پایان، براساس همه داده‌های جمع‌آوری شده در قالب مفاهیم، مؤلفه‌های مدیریتی مربوط از میان داده‌ها استنباط شد و جدولی تنظیم گردید که دارای پنج بخش به شرح زیر است:

- ۱- شناسه (شمارش ترتیبی آیات انتخاب شده)؛
- ۲- گزاره منتخب (آیات به همراه آدرس آنها)؛
- ۳- داده‌ها (ترجمه آیه انتخاب شده از قرآن کریم)؛
- ۴- مفاهیم (بخش کلیدی ترجمه آیه، به عنوان مفاهیم اصلی آیات)؛
- ۵- مؤلفه‌ها (برداشت‌های مدیریتی محقق از مفهوم آیه در ارتباط با تحقیق حاضر).

نمونه‌ای از جدول کدگذاری باز و محوری آیات قرآنی منتخب الگوی مدیریت دینی

شناسه	گزاره منتخب (آیات)	داده‌ها (ترجمه آیات)	مفهوم (کد گذاری باز)	مؤلفه مدیریتی (کدگذاری محوری)
۱	وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ، (بقره- ۵۳)	آنگاه که موسی را کتاب و فرقان (جدداکننده حقاز باطل) دادیم، شاید هدایت یابید.	کتب آسمانی، برنامه و وسیله هدایت	برنامه داشتن برای هدایت و مدیریت
۲	وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ... (بقره، ۸۷)	ما به موسی کتاب آسمانی (تورات) دادیم و بعد از او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم...	پیگیری و تداوم برنامه‌ها و تعالیم دینی	استمرار برنامه‌ها
۳	... وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره، ۱۲۰)	(خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید): ... و اگر هوی و هوس‌های آنان را پیروی کنی بعد از آن علمی که روزیت شد، آن وقت از ناحیه خدا نه سرپرستی خواهی داشت و نه یاور.	برخورد شدید با تخلف پس از تبیین و روشنگری	قاطعیت در برخورد با تخلف

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۷۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳

<p>آزمودن برای دادن مسئولیت</p>	<p>آزمایش و اختبار قبل از واگذاری مسئولیت</p>	<p>خداوند، حضرت ابراهیم را مورد آزمایش قرار داد و او همه آزمون‌ها را با موفقیت گذراند، خدا به او فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم.</p>	<p>وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا... (بقره، ۱۲۴)</p>	<p>۴</p>
<p>بازگشت نتیجه عمل هر فرد به خود او</p>	<p>ارتباط مستقیم دستاورد عمل انسان به نحوه تلاش او</p>	<p>آنها امتی بودند که در گذشتند و دستاورد آنها مربوط به تلاش خودشان است و دستاورد شما نیز مربوط به تلاش خودتان است.</p>	<p>تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ... (بقره، ۱۳۴)</p>	<p>۵</p>
<p>نظارت متعادل</p>	<p>میانه روی در نظارت بر افراد</p>	<p>و بدین سان شما را امتی میانه‌رو قرار دادیم تا شاهدان (ناظران) بر اعمال دیگر مردم باشید.</p>	<p>وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ... (بقره، ۱۴۳)</p>	<p>۶</p>
<p>پرهیز از شک و دو دلی</p>	<p>پرهیز از شک و ریب در اخبار مستند به خداوند</p>	<p>خداوند، پس از نزول آیه تغییر قبله به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: حق، آن چیزی است که از سوی پروردگار تو آمده است، پس هرگز به خود تردید راه مده.</p>	<p>الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (بقره، ۱۴۷)</p>	<p>۷</p>
<p>پاداش به جبران کنندگان خطا</p>	<p>توبه و اصلاح، شرط بخشش کتمان کننده حقایق</p>	<p>کسانی که حقایق هدایت را کتمان کنند، مورد لعنت خدا قرار می‌گیرند، مگر آنکه توبه کنند و کارهای خود را اصلاح کنند که در این صورت ایشان را می‌بخشم؛ زیرا من توبه پذیر و مهربانم.</p>	<p>إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۹) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره، ۱۶۰)</p>	<p>۸</p>

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

<p>پیروی نکردن از گذشتگان خطاکار</p>	<p>عدم تبعیت از رویه‌های اشتباه پیشینیان</p>	<p>هنگامی که به آنها گفته می‌شود: از راه خدا پیروی کنید، می‌گویند: ما از آن راهی که نیاکانمان پیروی کردند دست بر نمی‌داریم در حالی که ممکن است گذشتگان نشان چیزی نمی‌فهمیدند و به خطا رفته باشند.</p>	<p>قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ كُونا آباءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره، ۱۷۰)</p>	<p>۹</p>
<p>واگذاری مسئولیت به افراد بر اساس توان</p>	<p>مكلف بودن افراد به اندازه توان</p>	<p>همه به اندازه توانشان مكلف هستند.</p>	<p>لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا أَوْسَعَهَا... (بقره، ۲۳۳)</p>	<p>۱۰</p>

مرحله چهارم: رواسنجی مفاهیم استخراج شده از کدها

رواسنجی: به منظور پرهیز از برداشت شخصی از آیات قرآنی و گرفتار نشدن در وادی تفسیر به رأی به تعدادی از تفاسیر مهم مفسران به ویژه - تفسیر المیزان، تألیف علامه طباطبایی؛ تفسیر مجمع البیان، تألیف شیخ طبرسی؛ تفسیر نمونه تألیف جمعی از نویسندگان با نظارت آیت الله ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نور، تألیف حجت الاسلام محسن قرائتی؛ تفسیر احسن الحدیث، تألیف سیدعلی اکبر قرشی مراجعه شد و رواسنجی مفاهیم انتخاب شده مورد ارزیابی واقع شد و در نتیجه مفاهیمی مورد پذیرش قرار گرفت که حداقل با نظر ۳ نفر از ۵ نفر مفسر بالا همسو بودند.

مرحله پنجم: کد گذاری انتخابی

در این تحقیق، در مرحله کدگذاری انتخابی وجوه مشترک مؤلفه‌های حاصله از مراحل قبلی شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری با عنوان مقوله‌های محوری (ابعاد) سازماندهی شدند، که در قالب جداول بعدی از هر کدام نمونه‌هایی آورده می‌شوند.

جدول کدگذاری انتخابی

مقوله‌های محوری (ابعاد)	مؤلفه‌ها
ویژگی‌های مدیران	<p>قاطعیت در برخورد با تخلف*</p> <p>پرهیز از شک و دو دلی*</p> <p>پیروی نکردن از گذشتگان خطاکار*</p> <p>قدرت علمی و توانایی جسمی از شرایط مدیریت*</p> <p>توجه به همه کارکنان*</p> <p>لزوم ایمان برای مسئولان و زیردستان*</p> <p>آگاهی از دانش و قوانین معتبر گذشته*</p> <p>شناخت دشمنان و دوستان واقعی*</p> <p>عدم سوءاستفاده از مقام*</p> <p>اعتقاد و اعتماد مسئولان به یکدیگر*</p> <p>تبعیت‌پذیری (از قانون و مسئول)*</p> <p>امید داشتن به امدادهای الهی*</p> <p>ضعف و غمگینی به خود راه ندادن*</p> <p>پرهیز از سستی و نزاع و سرپیچی از دستورها*</p> <p>حضور پررنگ مدیر در مواقع بحران*</p> <p>توکل بر خدا در کنار عطف و عفو و مشورت*</p> <p>پرهیز از انحصارطلبی و بخل*</p> <p>اطاعت و رعایت سلسله‌مراتب*</p> <p>عامل و مشوق بودن بر جهاد*</p> <p>عفو و بخشش*</p> <p>پرهیز از تبعیض*</p> <p>اقامه عدالت و شهادت بی‌طرفانه*</p> <p>همکاری با یکدیگر در راه نیکی و تقوا*</p>

<p>ویژگی‌های مدیران</p>	<p>* توجه به خودشناسی</p> <p>تبعیت از قانون و عمل به ابلاغیات*</p> <p>تکریم زبردستان و ارباب رجوع*</p> <p>ضایع نکردن حقوق و رعایت عدالت در قول و عمل*</p> <p>* اجتناب از تکبر</p> <p>تأمین امکانات با ملاحظه محدودیت‌ها*</p> <p>تقدم در ایمان به خدا و دستورهای او*</p> <p>قانع بودن و پرهیز از زیاده‌خواهی*</p> <p>توجه کردن به سخنان و نظرات دیگران*</p> <p>عفو و بخشش تخلف‌های کوچک*</p> <p>ضایع نکردن حقوق و رعایت عدالت در قول و عمل*</p> <p>درایت و تدبیر در انجام کارها*</p> <p>تبعیت‌پذیری همراه با استقامت*</p> <p>پشیمانی و بازگشت، برای جلب برکت و افزایش توان*</p> <p>تردید نداشتن در هدف به خاطر کفر دیگران*</p> <p>استقامت متعادل و توصیه زبردستان به آن*</p> <p>لیاقت، معیاری برای برتری و محبوبیت*</p> <p>انجام امور با اجازه مسئولان*</p> <p>توجه و دلگرمی دادن به زبردستان*</p> <p>رعایت اعتدال و میانه‌روی*</p> <p>وفای به عهد و پیمان*</p> <p>انجام عالمانه کارها*</p> <p>سفارش زبردستان به اعمال نیک*</p> <p>بیانی شفاف و روشن در مدیریت*</p> <p>* بیانی نرم، حتی در برابر طغیان‌گر</p>
-------------------------	--

	<p>مدیریت بر پایه رحمت*</p> <p>پرهیز از خرده‌گیری بدون علم و دلیل*</p> <p>همراه نمودن عبادت با کار و تجارت*</p> <p>تبعیت‌پذیری از مافوق*</p> <p>امانتداری در ابلاغ دستورها*</p> <p>عدم تبعیت از اسرافکاران*</p> <p>تواضع در برابر زیردستان*</p> <p>نظم و انضباط داشتن سپاهیان*</p> <p>*عدم رغبت به مال و پاداش</p> <p>خوشرویی و تواضع با مردم*</p> <p>مدیریت آگاهانه*</p> <p>انجام صحیح و دقیق کارها*</p> <p>انجام عمل *خداپسندانه</p> <p>حرکت کردن در مسیر صحیح*</p> <p>عدم تبعیت از اشتباهات گذشتگان*</p> <p>شروع اصلاحات از خویشان*</p> <p>موعظه‌گری و موعظه‌پذیری*</p> <p>مطالعه زندگی مدیران با قدرت و بصیرت*</p> <p>شدید بودن با دشمنان و رحیم بودن با دوستان*</p> <p>*رعایت تقدم و مقام بالادستان</p> <p>تبعیت‌پذیری و رعایت صحیح سلسه‌مراتب*</p> <p>مشخص کردن و نوشتن وظایف*</p> <p>عفو و بخشش لغزش‌ها*</p> <p>*دوستی نکردن با دشمنان خدا و رسول</p> <p>توجه داشتن به ضعفا*</p>
--	---

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

	<p>الگو بودن مدیران*</p> <p>عامل بودن به گفتار*</p> <p>خدمت یکپارچه و مصمم در راه خدا*</p> <p>عبادت و ارتباط دائمی با خدا*</p> <p>دوری از پلیدی‌ها*</p> <p>نشاط داشتن در انجام کارها*</p> <p>صبر و شکیبایی لازمه انجام مدیریت*</p> <p>توانمندی در ارائه راه حل برای خروج از بحران*</p>
<p>برنامه‌ریزی</p>	<p>برنامه داشتن برای هدایت و مدیریت*</p> <p>استمرار برنامه‌ها*</p> <p>اهمیت داشتن تدبیر و برنامه‌ریزی*</p> <p>برنامه‌ریزی به وسیله افرادی قدرتمند و دانا*</p> <p>توجه به موانع در مسیر فعالیت*</p> <p>تبیین وظایف و اجرای آن به بهترین وجه*</p> <p>انعطاف‌پذیری برنامه‌ها متناسب با وضعیت نیروها*</p> <p>انعطاف‌پذیری برنامه‌ها متناسب با وضعیت مخالفان(رقبا)*</p> <p>قطع ارتباط با دشمنان (مخالفان) ولو با متضرر شدن*</p> <p>توجه و برنامه داشتن در برابر فتنه و فتنه‌گران*</p> <p>برنامه داشتن برای عیب‌ها و عیبجویان*</p> <p>رعایت زمانبندی در انجام فعالیت‌ها*</p> <p>توجه به مشیت الهی در برنامه‌ریزی*</p> <p>تقدم اهم بر مهم*</p> <p>ایده‌پردازی برای دستیابی به اهداف*</p> <p>آموزش تدریجی، برای تحکیم قلبی*</p> <p>انتخاب برنامه صحیح برای پیشگیری از خسارت*</p>

	<p>تعیین و تبیین وظایف*</p> <p>توجه به زوایای کارها در برنامه‌ریزی*</p> <p>توجه به ترندهای دشمنان در برنامه‌ریزی‌ها*</p> <p>معرفی کسانی که نباید اطاعت شوند همراه با تبیین برنامه آنها*</p>
<p>سازماندهی</p>	<p>انتصاب مدیران با در اختیار قرار دادن ابزار مدیریت*</p> <p>گماردن خیر خواهان و اصلاح گران در سازمان*</p> <p>واسپاری مدیریت به افراد شایسته*</p> <p>انتخاب سرپرست هر گروه از میان همان طایفه*</p> <p>انتخاب جانشینان مصلح و دوری کننده از فساد*</p> <p>گزینش افراد خاص برای مسئولیت‌های مهم*</p> <p>تأمین و تقسیم عادلانه و عالمانه امکانات*</p> <p>بکار گماردن افراد متخصص*</p> <p>به کار گماردن مشاوران مهم و امین*</p> <p>توجه به مهارت در واگذاری مسئولیت*</p> <p>توجه به سوابق در واگذاری مسئولیت*</p> <p>توجه به خلق و خوی و فرهنگ افراد در به کارگیری*</p> <p>جبران ضعف‌ها با به کارگیری پشتیبانان شایسته*</p> <p>بهره‌گیری از مشاوران خیره*</p> <p>بهره‌مندی از نیروهای توانمند*</p> <p>واگذاری مسئولیت به افراد بر اساس توان*</p>
<p>هماهنگی و هدایت</p>	<p>ایجاد هماهنگی در سازمان*</p> <p>رهنمون ساختن و هموار کردن مسیر فعالیت*</p> <p>سرپرستی و هدایت صالحان توسط خداوند*</p> <p>*هدایت با جوهره حکمت و نصیحت</p> <p>وحدت و هماهنگی در مدیریت*</p>

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

	<p>تبیین و متذکر شدن تهدیدها*</p>
<p>ارزیابی، کنترل و نظارت</p>	<p>تسریع در محاسبه و ارزشیابی اعمال*</p> <p>*نظارت متعادل</p> <p>آزمایش و ارزیابی عملکرد*</p> <p>پیگیری و نظارت بر امور تا حصول نتیجه*</p> <p>*ضرورت شناسایی عوامل شکست</p> <p>شناسایی منافقان و حذف افراد دوچهره*</p> <p>سرعت عمل در محاسبه عملکردها*</p> <p>شناسایی مدیران حيله گر و فاسد*</p> <p>لزوم پاسخ گویی همگان در برابر اعمال*</p> <p>توجه به عملکرد و سوء سابقه افراد*</p> <p>نظارت بر اعمال در صورت تفویض اختیار*</p> <p>ارزیابی افراد و رشد دادن نیروهای لایق*</p> <p>توجه به عملکرد و سوابق افراد*</p> <p>لزوم پاسخگویی در انتخاب مسئول*</p> <p>ارزیابی و آزمایش برای شناخت نیکوکاران*</p> <p>مراقبت و گزارش گیر از اوضاع کارکنان*</p> <p>محاسبه دقیق اعمال*</p> <p>تحقیق در اخبار دریافتی از سوی فاسقان*</p> <p>قرار دادن ناظران برای ثبت دقیق اعمال*</p> <p>راهنمایی و گواه داشتن برای رسیدن به هدف*</p> <p>آزمودن برای دادن مسئولیت*</p>
	<p>پاداش به جبران کنندگان خطا*</p> <p>امدادهای الهی پاداشی برای مؤمنان و تنبیهی برای کافران*</p> <p>پاداش دادن به عمل و تلاش*</p>

<p>تشویق و تنبیه (انذار و تبشیر)</p>	<p>بی‌پاداش نگذاشتن تلاش همه انسان‌ها* اعطای پاداش بر مبنای شایستگی* برخورد با متخلفان پس از توجیه* مجازات افراد خطاکار* تشویق و ترغیب کارکنان* آرامش الهی پاداشی برای مؤمنان* *ارتقا و پاداش دادن به نیکوکاران کیفر و تنبیه به حق و عدالت* اقتدار در تنبیه فتنه‌گران* پاداش و کیفر متناسب با عمل* رحمت قبل از عقوبت در صورت عدم تکرار معصیت* تنبیه شدید مسئولان در صورت تخلف* پاداش دادن به عمل صالح و خالص* برخورد در صورت تخلف از پیمان* شتابزدگی نکردن در تنبیه و تخلف از آن* تنبیه آشکار برای عبرت دیگران* تنبیه شدیدتر برای متخلفان اصلی* برخورد شدید با تخریب‌گران شخصیت افراد* تنبیه و عقوبت پس از هشدار و نصیحت* عملکرد نامناسب عاملی برای هلاکت* پاداش برای دوری از برتری‌جویی و فساد* بهره‌مندی از پاداش به دلیل تلاش* پاداش دادن به تلاش* تشدید تنبیه برای تخلف منسوبان به مسئولان* ندامت برای نجات از تنبیه و مجازات*</p>
--	--

	<p>تنبيه شديد متخلفان*</p> <p>تنبيه هر کس به خاطر تخلف خودش*</p> <p>تبیین علت و دلیل تنبيه*</p> <p>دادن پاداش کامل به تلاش‌ها*</p> <p>پاداش به تلاش*</p> <p>*دریافت پاداش، به دلیل رعایت تقوی</p> <p>تشویق با ذکر مشوق‌ها*</p> <p>ذکر پیشینیان پاداش داده‌شده*</p> <p>*جمع نمودن همگان برای دریافت پاداش یا عذاب</p> <p>توجه به نوع و تفاوت اعمال در دادن پاداش*</p> <p>مشخص کردن نوع تنبيه متخلفان*</p> <p>متناسب قرار دادن تنبيه با وضعیت متخلف*</p> <p>باز گذاشتن راه جبران برای تنبيه متخلفان*</p> <p>*تفاوت بودن پاداش‌ها، متناسب با تلاش‌ها</p> <p>ترفع مدیران لایق*</p> <p>بازگشت نتیجه عمل هر فرد به خود او*</p>
--	--

(منبع: محقق ۱۳۹۲)

تبیین تعریف مدیریت دینی و مدل مفهومی جامع مدیریت دینی

هنگامی که هدف دست‌یابی به الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم، تعیین شد، به نظر رسید که تبیین یک الگوی مفهومی برای مدیریت دینی، مستلزم استنباط معنای مفاهیم تحقیق از بطن قرآن کریم است و نمی‌توان معناها و مفاهیم خارج از ادبیات قرآن کریم را مبنا قرار داد تا بر آن اساس تحقیق انجام شود. بر اصحاب نظر و اندیشه پر واضح است که دست‌یابی به تعریف، از دشوارترین عملیات تحقیقی است و به نظر می‌رسید پرسش اصلی در پایان تحقیق، باید پاسخ خود را بیابد و چنین هم شد. اکنون که تحقیق حاضر، آخرین گام مرحله فعلی را طی می‌کند، جلوه‌هایی از

تعریف مفهوم مدیریت دینی، اندک اندک رخ می‌نماید.

با توجه به اینکه تعریف یک مفهوم بر خلاف تصور عمومی در یک خط خلاصه شدن نیست و گاه برای بیان یک تعریف یک کتاب نوشته می‌شود، اگر بتوان الگوی نظریه‌پردازی داده بنیاد را راهنمای تعریف مفهوم تلقی کرد؛ بنابراین، تعریف مفهوم مدیریت دینی، از این منظر، دیگر یک تعریف انتزاعی نیست، بلکه یک تعریف نظری چند وجهی است. به تعبیری دیگر شاید بتوان با ارایه چنین تعریفی به تبیین «چه‌های» مدیریت دینی پرداخت.

از منظر قرآن کریم، مدیریت دینی مفهومی است منتسب به ذات اقدس باری تعالی، یعنی ظهور مطلق آن در خداوند متعال است. آیاتی که حاوی نسبت تدبیر و رهبری به خداوند متعال است بر این امر دلالت دارد. در این تحقیق، پس از بررسی و مطالعه فراوان، این نتیجه حاصل شد که دریافت الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم، مستلزم شناخت مظاهر مدیریت دینی است. چه اینکه خداوند متعال، علاوه بر اینکه اصل کتاب خود یعنی قرآن را برای بشر راهنمای هدایت و مدیریت قرار داده است، تا به طور عینی آن را لمس کند، لازم دانسته است تا برای انسان حس‌گرا، الگوهای محسوس در برابر دیدگان خود آنان و از جنس خود آنان به عنوان الگوهای مدیریت دینی ارایه دهد تا حجت بر انسان تمام شود؛ بنابراین، در طول تاریخ، پیامبران عظیم‌الشأن الهی را یکی پس از دیگری برای بشر به رسالت مبعوث کرده است. از آن میان در قرآن کریم، تعداد ۲۵ نفر از آنان که سرآمدشان حضرت رسول(ص) است را معرفی فرموده است که براساس دستورهای الهی به مدیریت دینی جامعه پرداخته‌اند.

حال، باید این شناخت حاصل شود که الگوی مدیریت دینی که قرآن کریم معرفی می‌کند که عناصر و مؤلفه‌های اصلی و ابعاد آن مشخص شد، تعریف آن چیست و مدل آن چگونه است؟

بنابراین در اینجا تعریفی از مدیریت دینی را که به آن دست یافتیم بیان کرده و مدل و الگوی مدیریت دینی را نیز ترسیم می‌کنیم.

الف) تعریف منتخب از مدیریت دینی

با تبیین ابعاد مدیریت در قرآن به تعریف مدیریت دینی می‌توان پی برد. و در تعریف مدیریت دینی می‌شود این چنین گفت که:

مدیریت دینی رفتاری است برگرفته از یکسری داده‌هایی (آیات قرآنی) که از سوی خداوند متعال بر پیامبر گرامی اسلام(ص) نازل شده، که برای مدیران ویژگی‌هایی را مشخص نموده، تا سازمان‌ها و مجموعه‌های انسانی را با برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و هدایت، ارزیابی و نظارت، تشویق و تنبیه به گونه‌ای اداره کنند که تعالی افراد را به ارمغان آورد.

ب) مدل مفهومی جامع مدیریت دینی

هر مدلی که بر اساس تحقیقات بنیادی طراحی می‌شود در صورتی که از داده‌های مطمئن، با ابزار مناسب گردآوری شده باشد و روش تحقیق نیز یک روش علمی و تجربه شده باشد، در مراحل طراحی، به ویژه مرحله نهایی، زمانی که رابطه بین اجزای مدل و همچنین برون‌داد، فرآیند و خروجی مدل از یک انسجام قابل قبول برخوردار و دارای بازخورد باشد، قابل دفاع بوده، آن مدل می‌تواند مورد استفاده قرار گرفته و اثبات شود.

مدل طراحی شده «الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن»، چنین وضعیتی را دارد. داده‌های تحقیق از قرآن مجید گرفته شده است. این منبع منحصر به فرد بوده و جامع داده‌های مورد نیاز است. این داده‌ها توسط خداوند متعال بر پیامبر گرامی اسلام(ص) نازل شده است، تا بتوانند هدف غائی که تحقق تعالی انسان در زمین است رقم بزنند:



مدل مفهومی جامع مدیریت دینی

مدل مفهومی جامع مدیریت دینی، در مقایسه با پدیده «مدیریت غیر دینی» از لحاظ نوع نگرش به پدیده‌های جهان و حاصل مدیریت که تحقق رشد اقتصادی است، تفاوت ماهوی دارد.

نتیجه‌گیری

در یک مقایسه کلی حاصل از اجزا و ابعاد مدل طراحی شده با ادبیات تحقیق می‌توان اینگونه جمع‌بندی داشت که:

الف- در نگرش به پدیده‌های هستی از جمله انسان در مبانی نظری «مدیریت متداول» و «مدیریت با رویکرد دینی» یک تفاوت اساسی وجود دارد. نگرش «مدیریت متداول» کاملاً یک بعدی و مادی است، اما در «مدیریت با رویکرد دینی» دو بعدی، مادی و الهی است.

در نتیجه هرگونه تصمیم‌گیری در «مدیریت متداول» مبتنی بر مشاهده، عقل و تجربه است، اما در «مدیریت با رویکرد دینی» مبتنی بر مشاهده، عقل، تجربه، وحی و سنت است.

ب- در «مدیریت متداول» ارزش‌ها و اصول نسبی بوده و خرد جمعی و اکثریت جامعه آن‌ها را تعیین می‌کنند، اما در «مدیریت با رویکرد دینی»، مطلق است و برآمده از وحی و سنت و خرد جمعی است.

ج- ساخت «مدیریت متداول» در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تأمین امنیت و رفاه جامعه است و رشد اقتصادی هدف است، اما در «مدیریت با رویکرد دینی» رشد اقتصادی و تأمین امنیت و رفاه جامعه ابزار بوده و هدف «تعالی انسان» است که بعد معنوی و مادی انسان را شامل می‌شود.

کتابنامه:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- بابایی طلائی، محمداقرا، (۱۳۸۶) مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).
- ۴- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۴) فرهنگ لغات، انگلیسی به فارسی، تهران، نشر معاصر.
- ۵- پورسیف، عباس (۱۳۸۵)، خلاصه تفاسیر قرآن مجید(المیزان و نمونه)، تهران، نشر شاهد.
- ۶- تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۶۹)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم.
- ۷- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴)، قرآن نماد حیات معقول، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۸- جمعی از نویسندگان(۱۳۷۲) نگرشی بر مدیریت در اسلام، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چ اول.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله (بهار ۸۸)، پیامبر رحمت، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله (پاییز ۸۷)، دین‌شناسی، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله (تابستان ۸۹)، سیره پیامبران در قرآن، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله (خرداد ۸۵)، سیره رسول اکرم(ص) در قرآن، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله (اردیبهشت ۸۵)، هدایت در قرآن، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله (خرداد ۱۳۸۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، انتشارات اسرا.
- ۱۵- خمینی(ره)(امام)، سیدروح الله(۱۳۷۳) نگرشی موضوعی بر وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، عروج، چ دوم.
- ۱۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین.(۱۳۷۷) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان_ناهِید.
- ۱۷- دانایی فردحسن، الوانی سیدمهدی، آذرعادل (۱۳۸۳) روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، انتشارات صفار، تهران.
- ۱۸- رادمنش، سیدمحمد، (۱۳۷۴) آشنایی با علوم قرآنی، تهران، نشر علوم نوین
- ۱۹- رضائیان علی، (۱۳۶۵) اصول مدیریت سمت، تهران

درآمدی بر تبیین مبانی نظری الگوی مدیریت دینی از منظر قرآن کریم

- ۲۰- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۰). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم انتشارات اسلامی.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۶، تهران، فراهانی.
- ۲۲- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۳- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، قم، بوستان کتاب.
- ۲۴- قوامی، سیدمصصام الدین (۱۳۸۲) مدیریت از منظر کتاب و سنت، دبیرخانه مجلس خبرگان، قم، چ اول.
- ۲۵- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۸۹)، مجموعه کامل نرم‌افزارهای نور(جامع التفاسیر)، قم. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۲۶- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶) پیش نیازهای مدیریت اسلامی، موسس آموزشی پژوهشی امام خمینی، چ اول.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶) تبیین مفهوم مدیریت اسلامی، مجموعه مقالات ارائه شده در چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۲۸- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲) ویژگی‌های مدیریت اسلامی، ریشه‌ها-الگوها - انگیزه، چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱- منصوریان، یزدان (۱۳۸۵) گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعات، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

